

---

## ارزیابی کاربرد دکترین مسئولیت حمایت در مداخله بشردوستانه (مورد بحران لیبی)

---

علی اصغر کاظمی \*

مهدی آقاعلیخانی \*\*

### دیباچه

دکترین «مسئولیت حمایت»<sup>۱</sup> یکی از هنجارهای جدید بین‌المللی است که در سند نشست سران سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ گنجانده شد. براین اساس هر دولتی در «حمایت» از شهروندان خود در برابر جنایات جنگی، نسل‌کشی، پاکسازی نژادی و جنایات علیه بشریت «مسئولیت» دارد و اگر دولتی قادر به انجام این تعهدات نباشد،

---

\* دکتر علی اصغر کاظمی، استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران است. (aakazemi@hotmail.com)

\*\* مهدی آقاعلیخانی، عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تاجیکستان است. (alikhanimail@yahoo.com)

پذیرش: ۱۳۹۲/۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۱/۲۳

فصلنامه مطالعات بین‌المللی (ISJ)، سال دهم، شماره ۱، تابستان ۱۳۹۲، صص ۴۵-۷۵.

1. Responsibility to Protect: RtoP/R2p

جامعه بین‌المللی این مسئولیت را عهده‌دار خواهد شد. در این بین سازمان ملل متحد و سایر ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی نقش کلیدی دارند. وقوع اعتراضات مردمی در کشور لیبی در اوایل سال ۲۰۱۱ و سرکوب شدید مخالفان از سوی رژیم قذافی موجب واکنش فعال و موثر سازمان‌های منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی شد. نتیجه این امر دو قطعنامه ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ شورای امنیت سازمان ملل با اشاره صریح به مسئولیت حمایت و در دفاع از جمعیت غیرنظامی لیبی بود. اهمیت مسئله در این بود که شورای امنیت برای اولین بار با اتکا به این دکتترین مجوز توسل به زور را صادر می‌کرد.

هدف از این پژوهش بررسی ویژگی‌های دکتترین مسئولیت حمایت و چگونگی کاربرد آن در قضیه لیبی و ارزیابی چالش‌ها و دستاوردهای ناشی از آن برای آینده این هنجار جدید در نظام بین‌الملل است. پرسش کلیدی این مقاله آن است که جایگاه دکتترین مسئولیت حمایت در قضیه لیبی و مداخله در این کشور چه بوده و چه پیامدهایی را به همراه داشته است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که: ویژگی‌های کاربرد دکتترین مسئولیت حمایت در قضیه لیبی به ویژه ایفای نقش گسترده سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای موجب «مشروعیت» بخشی به اقدامات شورای امنیت برای مداخله علاوه بر صلاحیت قانونی شورا شده است و در صورت رفع برخی ابهامات، این امر می‌تواند به تثبیت هر چه بیشتر این هنجار و تبدیل شدن آن به مبنایی برای اقدامات مشابه در آینده، بیانجامد.

## روش‌شناسی پژوهش

تدوین و توسعه تدریجی حقوق بین‌الملل، به ویژه در دوران حیات سازمان ملل متحد در عرصه‌های مختلف، سیاست‌های جهانی و منطقه‌ای، مکتب‌های فکری و... کار دانش پژوهان و حقوقدانان و کارگزاران دولتی را پیچیده کرده است. در چنین شرایطی، بدون پرداختن به بحث‌های روش‌شناختی و معرفت‌شناختی، استفاده مطلوب و استناد منطقی به منابع گسترده قواعد حقوقی مدون، عرف و رویه‌ها و احکام قضایی دادگاه‌ها، صاحب‌نظران را با مشکلات زیادی مواجه خواهد کرد. (Kazemi, 2005: 4) چرا که روش‌ها هم برای تعیین قواعد حقوق بین‌الملل کاربرد دارد و هم برای تطبیق و اجرای هر قاعده به یک قضیه واقعی. یکی از روش‌های نو در این زمینه «رویه حقوقی مبتنی

بر خط مشی<sup>۱</sup> می‌باشد. از منظر این رهیافت، حقوق بین‌الملل یک فرایند جامع و پویای تصمیم‌گیری در مورد مسایل مبتلا به جامعه جهانی است و نه صرفاً یک مجموعه از قوانین و تعهدات است. بر این اساس از یکسو شیوه‌های اجرایی و عملی مقررات مورد توجه است و از سوی دیگر ابزارهای تحلیل برای ارزیابی کارآمدی آنها در تدبیر امور بین‌المللی. (Kazemi, 2010: 80) این رهیافت که ریشه در مکتب نیوهیون<sup>۲</sup> دارد متأثر از اندیشه ورزانی چون مایرز مک دوگال<sup>۳</sup> رییس انجمن امریکایی حقوق بین‌الملل و هارولد لاسول<sup>۴</sup> رییس انجمن امریکایی علوم سیاسی می‌باشد، کسانی که نگرشی میان رشته‌ای برای مطالعه قواعد بین‌المللی به وجود آوردند. ویژگی عمده بانیان مکتب نیوهیون این است که کرامت انسانی<sup>۵</sup> را به عنوان ارزش محوری برای تنظیم اصول حقوقی بین‌المللی پذیرفته‌اند. (MalekmohammadiNouri, 2001: 176) همانگونه که اشاره شد از منظر رهیافت «رویه حقوقی مبتنی بر خط مشی»، حقوق منحصر به انبوهی از قواعد انباشته شده نیست بلکه جریان مستمری از تصمیم‌های آمرانه است که بنا به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ و اجرا می‌شود. با چنین دیدگاهی حقوق بشر و حقوق نوع دوستانه پاسخ به الزامات مربوط به حفظ و حراست از حریم حقوق فردی است که اراده جامعه بین‌المللی را منعکس می‌کند. (Kazemi, 2010: 87) در اینجا قواعد حقوقی بین‌المللی به عنوان ابزار دست کارگزاران دولتها برای پیشبرد هدف‌ها و خط مشی‌های آنان برای استقرار حداقل نظم به کار گرفته می‌شود و سیاستمداران نیز دغدغه بود و نبود قواعد مثبت بین‌الملل را ندارند و هر آنچه که آنان را به اهداف و مقاصدشان نزدیک کند می‌تواند به عنوان خط مشی برای حل معضل یا حفظ وضع موجود به کار گرفته شود. البته در این راه بازیگران معمولاً می‌کوشند با بهره‌گیری از شورای امنیت سازمان ملل به اقدامات و حتی مداخلات خود تحت عناوین انسان‌دوستانه مشروعیت دهند.

باتوجه به اینکه حل بحران لیبی براساس فشار افکار عمومی جهانی و ایفای نقش

1. Policy-Oriented Jurisprudence
2. New Haven School
3. Myres S. McDougal
4. Harol D. Lasswell
5. Human Dignity

سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی با دو قطعنامه قاطع و سریع شورای امنیت صورت گرفت، می‌توان به دو عامل مهم در اتخاذ این تصمیمات و سقوط حکومت قذافی اشاره کرد:

۱- فشار افکار عمومی جهانی و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بر اساس قواعد حقوق بشردوستانه، حقوق بشر، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، کنوانسیون منع نسل‌کشی و هنجارهای بین‌المللی مرتبط با مسئولیت حمایت.

۲- اراده قدرت‌های بزرگ برای حل بحران از طریق شورای امنیت سازمان ملل. از این رو از منظر روش‌شناسی، «رویه حقوقی مبتنی بر خط مشی» به خوبی قادر به تبیین این موضوع است. بر اساس چهارچوب‌ها و اصول این روش می‌توان گفت: حقوق منحصر به انبوه قواعد انباشته نیست بلکه جریانی از تصمیم‌های آمرانه است که بنا به مقتضیات زمان و مکان اتخاذ و اجرا می‌شود. در این رویه قواعد حقوق بین‌الملل ابزار دست کارگزاران و نهادهای بین‌المللی برای پیشبرد خط مشی‌های آنها برای استقرار حداقل نظم است. بنابراین می‌توان گفت علاوه بر وجود قواعد لازم حقوقی برای قانونی و مشروع کردن مداخله در لیبی، هدف کارگزاران و نهادهای بین‌المللی برای حفظ نظم موجود، و نیز حراست از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه و حل بحران در لیبی، از طریق دکترین مسئولیت حمایت عملی شده است. همچنین با عنایت به روش‌شناسی این رهیافت می‌توان به تحلیل بحران لیبی و دوگانگی در رویارویی با بحران‌های دیگری چون یمن، بحرین و سوریه پرداخت.

### چهارچوب نظری: دکترین مسئولیت حمایت

حاکمیت به عنوان یکی از اصول حقوقی-سیاسی حاکم بر نظام بین‌الملل از قرن‌ها پیش مورد بحث و احترام بوده است. تا قرن بیستم این مفهوم شامل حق ورود به جنگ و نیز حق استفاده از زور در داخل کشورها بود. با ایجاد سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۵ از یکسو تهدید و توسل به زور منع گردید<sup>۱</sup> و از سوی دیگر مداخله در امور داخلی

۱. بند ۴ از ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد: کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابینت داشته باشد خودداری خواهند نمود.

کشورها جز در چهارچوب اقدامات قهری در فصل هفتم منشور ممنوع اعلام شد<sup>۱</sup>. به عبارت دیگر منشور ضمن احترام به حاکمیت کشورها، محدودیت‌هایی نیز برای آن در نظر گرفته است. با این حال سازمان ملل متحد تا دهه ۱۹۹۰ میلادی به واسطه شرایط حاکم بر نظام بین‌الملل در تحقق دو هدف اصلی خود یعنی «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» و «تشویق احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی» توفیق کامل نیافت. در این دوران و حتی در سالهای اولیه پس از آن بسیاری از فجایع انسانی پاسخ درخوری از سوی جامعه بین‌المللی دریافت نکرد. فاجعه نسل‌کشی در رواندا در سال ۱۹۹۴ و جنگ در قلمرو یوگسلاوی سابق و نسل‌کشی مسلمانان در سربرنیتسا در سال ۱۹۹۵ از جمله فجایع مهم در دوران پس از نظام دو قطبی بودند که سازمان ملل متحد جز تصمیم به تاسیس دادگاه‌های بین‌المللی موقت برای رسیدگی به جنایات ارتكابی در رواندا<sup>۲</sup> و یوگسلاوی سابق<sup>۳</sup>، نتوانست اقدام موثری در جهت جلوگیری از آن فجایع انجام دهد. در این زمان مناقشه بر سر حدود و نحوه اجرای مفاهیمی چون حاکمیت و مداخله بشردوستانه به چالشی برای جلوگیری از نقض حقوق انسانی بدل شده بود. در یک نمونه از مداخلات انساندوستانه (کوزوو ۱۹۹۹) در این دهه نیز شورای امنیت سازمان ملل مجوزی صادر نکرده بود. با عنایت به این مباحث کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل این سوال را مطرح کرد: «اگر مداخله بشردوستانه، خدشه‌ای غیر قابل پذیرش به حاکمیت است، پس چگونه می‌توانیم به وضعیت‌های رواندا و سربرنیتسا یعنی نقض فاحش و سیستماتیک حقوق بشر که موهن جامعه بشری است، پاسخ دهیم؟» (GhavamandRavanbod, 2010: 175)

در پاسخ به این سوال کمیسیون بین‌المللی مداخله و حاکمیت دولت<sup>۴</sup> با حمایت کانادا در سال ۲۰۰۰ تشکیل شد. در گزارش این کمیسیون در سال ۲۰۰۱ عنوان شد که ماهیت ضروری حاکمیت از امتیازات دولت و مصونیت‌ها به مسئولیت در حمایت از

۱. بند ۷ از ماده ۲ منشور سازمان ملل متحد: هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی‌دارد در اموری که ذاتاً جزو صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی‌کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش‌بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد.

2. International Criminal Tribunal for Rwanda: ICTR

3. International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia: ICTY

4. International Commission on Intervention and State Sovereignty: ICISS

مردم در برابر جنایات بی رحمانه تغییر کرده است. بنابراین اگر دولت از مسئولیت خود کوتاهی کند، مسئولیت حمایت جامعه بین‌المللی از طریق ساختارها و رویه‌های سازمان ملل متحد محقق خواهد شد. (Thakur, 2011: 15) به عبارت دیگر در این گزارش ایده «حاکمیت به مثابه مسئولیت»<sup>۱</sup> مورد توجه قرار گرفته بود. حاکمیت به مثابه مسئولیت یکی از اجزای اصلی مسئولیت برای حمایت است که کمیسیون به بحث درباره آن پرداخته است. براساس دیدگاه‌های کمیسیون، امنیت انسانی و حقوق بشر، انگیزه‌های بازنگری در مفهوم حاکمیت و در نظر گرفتن آن به عنوان حاکمیت به مثابه مسئولیت هستند و این امر، به نوبه خود مبنای مسئولیت برای حمایت است. (Tigerstrom, 2010: 168)

موافقت با دکترین مسئولیت حمایت به عنوان یک هنجار بین‌المللی حقوق بشری از سوی بزرگترین مجموعه از رهبران جهان در نشست سران سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ با اجماع صورت گرفت. مسئولیت حمایت در برابر چهار مورد جنایات جنگی<sup>۲</sup>، نسل‌کشی<sup>۳</sup>، پاکسازی نژادی<sup>۴</sup> و جنایات علیه بشریت<sup>۵</sup> می‌باشد. براساس بند ۱۳۸ سند نشست سران سازمان ملل متحد هر دولتی مسئولیت حمایت از جمعیت خود در برابر چهار جنایت فوق‌الذکر را داراست. این مسئولیت شامل پیشگیری از چنین جرایمی می‌باشد. ضمن آنکه جامعه بین‌المللی و سازمان ملل می‌بایست به یاری و ترغیب دولت‌ها در اجرای این مسئولیت بپردازد. بر این اساس اگر دولتی توانایی عمل به این مسئولیت را نداشته باشد یا خود به ارتکاب این جرایم دست زند، مطابق بند ۱۳۹ سند، جامعه بین‌المللی به منظور حمایت از مردم در برابر این جرایم، مسئولیت استفاده از ابزارهای مناسب دیپلماتیک، بشردوستانه و دیگر ابزارهای مسالمت‌آمیز مطابق فصول ششم و هشتم منشور را دارد و در صورت ناکافی بودن این ابزار، جامعه بین‌المللی آمادگی دارد تا از طریق شورای امنیت مطابق فصل هفتم منشور و در همکاری با سازمان‌های منطقه‌ای اقدام قاطع و به موقع انجام دهد.

- 
1. Sovereignty as Responsibility
  2. War crimes
  3. Genocide
  4. Ethnic cleansing
  5. Crimes against humanity

(GhavamandRavanbod, 2010: 177)

بان‌کی‌مون دبیرکل سازمان ملل متحد بعدها دکترین مسئولیت حمایت را مبتنی بر سه اصل یا ستون دانست: ۱) مسئولیت اولیه دولت برای حمایت از شهروندان در برابر این جرایم؛ ۲) مسئولیت جامعه بین‌المللی برای تقویت دولت در اجرای تعهدات مسئولیت حمایت؛ ۳) اقدامات اجباری بین‌المللی شامل اقدامات پیش‌بینی شده در ماده ۴۱ (تحریم اقتصادی، تحریم تسلیحاتی و...) و در نهایت اقدام نظامی تحت ماده ۴۲ منشور سازمان ملل متحد. (Thakur, 2011: 16)

در اینجا این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که دکترین مسئولیت حمایت صرفاً به معنای مداخله نظامی نیست چرا که براساس گزارش ICISS و مطابق این دکترین، این جنایات و جرایم باید از طریق سه استراتژی خنثی شود: (Fiott, 2008: 1-2)

۱- پیشگیری<sup>۱</sup>: با تأکید بر ماده ۵۵ منشور<sup>۲</sup> سازمان ملل متحد که خواهان استاندارد بالاتر سیاسی-اقتصادی-رفاه اجتماعی و احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است.

۲- مداخله<sup>۳</sup>: اگر این جنایات و جرایم رخ دهد جامعه بین‌المللی باید اقدامات سیاسی، اقتصادی و حقوقی و در آخرین مرحله اقدام نظامی انجام دهد.

۳- بازسازی<sup>۴</sup>: در صورتی که مداخله صورت گرفت جامعه بین‌المللی وظیفه دارد تا از بازسازی پس از منازعه که شامل نهادهای سیاسی، آشتی ملی و کمک به توسعه اقتصادی-اجتماعی است، اطمینان یابد.

برای روشن کردن و عملیاتی کردن بحث در جهت ارزیابی دکترین مسئولیت حمایت، ضرورت دارد تا عناصر مختلف این سه استراتژی مورد بررسی قرار گیرند.

#### 1. Prevention .

۲. ماده ۵۵ منشور سازمان ملل متحد: با توجه به ضرورت ایجاد شرایط ثبات و رفاه برای تأمین روابط مسالمت‌آمیز و دوستانه بین‌الملل براساس احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل، سازمان ملل متحد امور زیر را تشویق خواهد کرد. الف- بالا بردن سطح زندگی، فراهم ساختن کار برای حصول شرایط ترقی و توسعه در نظام اقتصادی و اجتماعی؛ ب- حل مسائل بین‌الملل اقتصادی - اجتماعی - بهداشتی و مسائل مربوط به آنها و همکاری بین‌المللی فرهنگی و آموزش؛ و ج- احترام جهانی و موثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد - جنس و زبان یا مذهب.

#### 3. Intervention .

#### 4. Reconstruction .

براساس جدول زیر می‌توان سه استراتژی پیشگیری، مداخله و بازسازی دکنترین مسئولیت حمایت را در قالب اقدامات پیش از بحران، اقدامات در جریان بحران و اقدامات پس از بحران قرار داد: (Evans, 2008: 87, 107 and 150)

اقدامات/ مراحل	پیشگیری	مداخله	بازسازی
اقدامات سیاسی-دیپلماتیک	-پیشبرد حکمرانی خوب -پیشبرد عضویت در سازمان‌های بین‌المللی -از طریق: دیپلماسی پیشگیرانه و تهدید به تحریم‌های سیاسی	-صلح‌سازی -دیپلماتیک -مشوق‌ها و تحریم‌های سیاسی	-بازسازی نهادهای حکومتی -حمایت از توسعه سیاسی
اقدامات اجتماعی-اقتصادی	-حمایت از توسعه اقتصادی -حمایت از آموزش برای مدارا -صلح‌سازی -از طریق: کمک‌های مشروط، تهدید به تحریم‌های اقتصادی و مشوق‌های اقتصادی.	-برنامه تحریم‌های اقتصادی -مشوق‌های اقتصادی	-برنامه‌های اجتماعی برای صلح پایدار
اقدامات حقوقی-نهادی	-بهبود ساختارهای نهادی عادلانه -بهبود حقوق بشر -بهبود حاکمیت قانون -مبارزه با فساد -از طریق: حل و فصل حقوقی مناقشات و تهدید به پیگیری کیفری بین‌المللی.	-پیگرد جنایی و کیفری بین‌المللی	-بازسازی عدالت کیفری -مدیریت عدالت انتقالی -حمایت از عدالت سنتی -مدیریت بازگشت آوارگان
اقدامات امنیتی	-اصلاحات بخش امنیتی -حکومت غیرنظامی به جای نظامی -اقدامات اعتمادسازی -کنترل تسلیحات -از طریق: پیشگیری از آرایش نیروها، نمایش زور غیر سرزمینی و تهدید به تحریم تسلیحاتی یا پایان برنامه‌های همکاری‌های نظامی.	-صلح‌سازی برای حمایت از غیرنظامیان -ایجاد اماکن امن و مناطق پرواز ممنوع -تحریم تسلیحاتی -مسدود کردن فرکانس‌های رادیویی -توسل به زور	-صلح‌سازی در حمایت از ملت‌سازی -خلع سلاح و رفع بسیج عمومی -اصلاحات بخش امنیتی

یک مسئله مهم در دکترین مسئولیت حمایت، نقش سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای است. ضمن آنکه مطابق این دکترین پس از مسئولیت اولیه دولت‌ها و سپس نقش دستگیری جامعه بین‌المللی، در صورت نیاز جامعه بین‌المللی در قالب سازمان ملل متحد با کمک سازمان‌های منطقه‌ای در زمان بحران‌ها ورود پیدا خواهد کرد. در سال‌های پس از جنگ سرد، سازمان‌های منطقه‌ای نقش بیشتر و اساسی تری در ایجاد صلح، حفظ صلح و تحکیم صلح ایفا کرده‌اند. البته این امر ناشی از پیش‌بینی نقش آژانس‌ها و ترتیبات منطقه‌ای در منشور سازمان ملل متحد است. مهم‌ترین بازیگران فعال و شناخته شده در مسایل صلح و امنیت بین‌المللی امروز اتحادیه اروپا<sup>۱</sup>، اتحادیه آفریقا<sup>۲</sup>، سازمان توسعه همکاری اقتصادی اروپا<sup>۳</sup> و ناتو<sup>۴</sup> هستند. ضمن آنکه برخی سازمان‌هایی هم وجود دارند که در برهه‌هایی در موضوعات مرتبط با صلح و امنیت بین‌المللی و منطقه‌ای درگیر شده‌اند، مانند اتحادیه دولت‌های عرب<sup>۵</sup> (مانند بحران‌های اعراب-اسرائیل و لبنان)، سازمان دولت‌های امریکایی<sup>۶</sup>، دولت‌های مستقل مشترک المنافع<sup>۷</sup>، اتحادیه ملت‌های جنوب شرق آسیا<sup>۸</sup>، سازمان همکاری اسلامی<sup>۹</sup> و پیمان همکاری شانگهای<sup>۱۰</sup>. در میان این بازیگران، ناتو از نقش مهمی برخوردار است. هرچند این سازمان در ابتدا یک پیمان دفاع مشروع جمعی بود، اما در مفهوم بروز شده استراتژیک در سال ۱۹۹۹، ناتو یک رشته کامل از عملیات پاسخ به بحران غیر از ماده ۵ یعنی نه فقط دفاع در برابر سایر اعضا، که برای اطمینان از صلح و ثبات در این منطقه و مناطق پیرامونی تدارک دید. ضمن آنکه در کنفرانس پراگ در سال ۲۰۰۲ اعضای پیمان موافقت کردند که این نیروها می‌توانند هر جایی که آنها مورد نیازند فرستاده شوند. (Evans, 2008: 191) همچنین علاوه بر سازمان‌های منطقه‌ای، نقش سازمان‌های

1. European Union: EU
2. African Union: AU
3. Organisation for Economic Cooperation and Development: OECD
4. The North Atlantic Treaty Organization: NATO
5. League of Arab States: LAS
6. Organization of American States: OAS
7. Commonwealth of Independent States: CIS
8. Association of Southeast Asian Nations: ASEAN
9. Organization of the Islamic Cooperatin: OIC
10. Shanghai Cooperation Organisation: SCO

مردم‌نهاد چون عفو بین‌الملل و دیده بان حقوق بشر، نقش محاکم بین‌المللی چون دیوان بین‌المللی کیفری<sup>۱</sup> و دیوان بین‌المللی دادگستری و نقش ارکان و نهادهای سازمان ملل مانند شورای امنیت، مجمع عمومی، دبیرکل، شورای حقوق بشر<sup>۲</sup>، کمیسر عالی حقوق بشر، کمیسر عالی امور پناهندگان و... در دکترین مسئولیت حمایت باید مورد توجه قرار گیرد.

### بحران لیبی و دکترین مسئولیت حمایت

با آغاز خیزش مردمی علیه رژیم‌های دیکتاتوری در شمال آفریقا و تسری ناآرامی‌های جهان عرب از تونس و مصر به لیبی در فوریه ۲۰۱۱، حکومت معمر قذافی دست به واکنش خشونت بار و سرکوب شدید معترضان زد. شدت زور و خشونت ارتكابی توسط رژیم قذافی در مواجهه با معترضان و غیرنظامیان موجب جلب توجه جامعه بین‌المللی شده و در نهایت با مداخله سریع شورای امنیت در قیاس با بحران‌های مشابه، به سقوط حکومت ۴۲ ساله قذافی انجامید. اهمیت این مسئله در آن است که قضیه لیبی اولین بحرانی است که شورای امنیت براساس دکترین مسئولیت حمایت اقدام به صدور مجوز عملیات کرد. براساس دکترین مسئولیت حمایت هر دولتی مسئولیت دارد از جمعیت خود در برابر جنایات جنگی، نسل‌کشی، پاکسازی نژادی و جنایات علیه بشریت حمایت کند. این جرایم می‌تواند از سوی خود دولت یا بازیگران غیر دولتی ارتكاب یابد. در قضیه لیبی، حکومت این کشور نه تنها اقدام به حمایت از شهروندان خود در قبال چنین جرایمی نکرد بلکه خود در پاسخ به اعتراضات مسالمت آمیز شهروندان مرتکب جرایمی شد که در چهارچوب RtoP قرار داشت. ورود جامعه بین‌المللی و نهادهای بین‌المللی زمانی به صورت جدی و عملی اتفاق افتاد که معترضان موفق به در اختیار گرفتن کنترل شهر بنغازی شدند. در این زمان قذافی با خطاب کردن مخالفان به موش و سوسک از طرفداران خود و نیروهای حکومت خواست تا به خیابان‌ها آمده و خانه به خانه لیبی را از حضور معترضان پاکسازی کنند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای اظهارات قذافی واکنش جدی جامعه بین‌المللی و شورای امنیت

1. International Criminal Court: ICC
2. Human Rights Council: HRC

برای جلوگیری از به راه افتادن حمام خون در لیبی بود.

### الف: ورود جامعه بین‌المللی و اقدامات شورای امنیت سازمان ملل

افزایش خشونت‌ها و سرکوب در برابر اعتراضات شهروندان لیبیایی موجب واکنش جامعه بین‌المللی و پاسخ شورای امنیت شد. پاسخ اولیه که در میانه ماه فوریه بود، اتخاذ یک رشته اقدامات غیرنظامی و البته تنبیهی بود. اقدامات دیپلماتیک، مسدود کردن دارایی‌ها، ممنوعیت سفر، تحریم تسلیحاتی، معلق کردن عضویت لیبی در برخی نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی و ارجاع قضیه لیبی به دیوان کیفری بین‌المللی از جمله این اقدامات بود. این اقدامات با میدان داری مجموعه‌ای از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی مانند شورای حقوق بشر، اتحادیه عرب، مجمع عمومی سازمان ملل، اتحادیه آفریقا، شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه اروپا و... آغاز و در نهایت منجر به قطعنامه‌های شورای امنیت شد. این اقدامات تنبیهی غیرنظامی در نهایت با اعلام منطقه پرواز ممنوع از سوی شورای امنیت سازمان ملل در ۱۷ مارس تکمیل و منجر به استفاده از نیروی نظامی برای حمایت از جمعیت غیرنظامیان در لیبی شد.

پس از پذیرش دکترین مسئولیت حمایت در قالب سند نشست سران سازمان ملل در سال ۲۰۰۵، شورای امنیت سازمان ملل در ۲۸ آوریل ۲۰۰۶ قطعنامه شماره ۱۶۷۴ را تحت موضوع حمایت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه<sup>۱</sup> به اتفاق آرا تصویب کرد. در این قطعنامه، شورای امنیت با تایید مجدد قطعنامه‌های ۱۲۶۵ و ۱۲۹۶ (۱۹۹۹ و ۲۰۰۰) خود درباره حمایت از غیرنظامیان در منازعات مسلحانه و نیز زنان و صلح و امنیت، و همچنین قطعنامه ۱۶۳۱ (۲۰۰۵) درباره همکاری سازمان ملل و سازمان‌های منطقه‌ای در پشتیبانی از صلح و امنیت بین‌المللی، در عین احترام به مواد ۱ و ۲ منشور و نیز احترام به اصولی چون استقلال سیاسی، برابری حاکمیت، یکپارچگی قلمرو و احترام به حاکمیت همه دولت‌ها، توسعه و حقوق بشر را پایه‌های اساسی نظام سازمان ملل و امنیت جمعی بیان می‌کند. این قطعنامه به صراحت مواد ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نشست سران سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ در خصوص مسئولیت حمایت در مقابل نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی نژادی و جنایات علیه بشریت را مورد تایید قرار می‌دهد.

(UN. Org, SC/RES/1674, 2006) با توجه به تایید و تأکید قطعنامه بر این دکترین، می‌توان این اقدام شورای امنیت را گامی در جهت الزامی کردن مسئولیت حمایت قلمداد کرد.

البته از منظر حقوق بین‌الملل، اسناد و معاهدات بین‌المللی بسیاری درخصوص منازعات داخلی و بین‌المللی و نیز الزام به رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی وجود دارد. به عنوان مثال در مباحث حقوق بین‌الملل بشردوستانه، کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ۲۱ اوت ۱۹۴۹ که به حقوق جنگ و محدودیت‌های روش‌های جنگی و... مرتبط است اهمیت والایی دارد. به دلیل اهمیت اساسی این کنوانسیون‌ها، همه دولت‌های جهان، ارتباط با آنها را پذیرفته‌اند. این کنوانسیون‌ها با دو موافقت نامه پروتکل الحاقی ۱۹۷۷، تکمیل شده‌اند. امروزه توجه و عمل به موازین حقوق بین‌الملل بشردوستانه با میزان تعهد و عمل به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو ارزیابی می‌شود. (Zakerian, 2000: 35)

اما از دیرباز واکنش غیر موثر جامعه بین‌المللی به ویژه ناتوانی شورای امنیت از اتخاذ تصمیم در مواجهه با بحران‌های مختلف زمینه را برای نقض گسترده حقوق انسانی فراهم کرده است. به عبارت دیگر علیرغم وجود قواعد بین‌المللی، اراده سیاسی قدرت‌های بزرگ و اعضای دائم شورای امنیت ضامن اجرای آن قواعد بوده است و نه ماهیت الزام آوری آنها. البته اقدام شورای امنیت که در نهایت منجر به دخالت ناتو در بحران لیبی شد را می‌توان در مقایسه با موارد مشابه سریع و قاطع دانست. در نمونه‌ای دیگر یعنی بحران بالکان ناتوانی شورای امنیت و انفعال ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی موجب شد تا مداخله ناتو در بحران یوگسلاوی سابق (کوزوو ۱۹۹۹) نزدیک به یک دهه به طول انجامد (Thakur, 2011: 19) که البته آن نیز با مباحث زیادی پیرامون مشروعیت یا عدم مشروعیت عملیات مواجه شد.

در مجموع، با آغاز بحران لیبی و شدت گرفتن آن و اقدامات و فعالیت‌های موثر ترتیبات و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، شورای امنیت نیز به این بحران ورود پیدا کرد. اساساً شورای امنیت نهاد مسوول سازمان ملل برای مداخله در چنین وضعیت‌هایی تحت ماده ۳۹ می‌باشد. در این زمان وظیفه شورا شناسایی وضعیتی است که صلح و امنیت بین‌المللی را به خطر انداخته و برای اقدام مناسب در این زمینه تصمیم‌گیری کند.

اولین واکنش شورای امنیت به بحران لیبی در ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ در قالب یک جلسه مشورتی غیر رسمی بود. پس از این جلسه شورا به تایید بیانیه اتحادیه عرب پرداخت و با نگرانی عمیق درباره وضعیت لیبی و توسل به زور علیه غیرنظامیان، از دولت‌ها خواست به تعهدات مرتبط با مسئولیت حمایت عمل کنند. ( Bellamy and Williams, 2011: 839)

اولین اقدام رسمی شورای امنیت در این رابطه تصویب اجماعی قطعنامه ۱۹۷۰ در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ بود. این قطعنامه با محکومیت حملات سیستماتیک علیه غیرنظامیان در لیبی از مواضع اتحادیه عرب، اتحادیه آفریقا و دبیرکل سازمان همکاری اسلامی در محکومیت نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی توسط حکومت لیبی استقبال کرد. ضمن آنکه شورای امنیت از اقدامات شورای حقوق بشر و نیز تصمیم این نهاد برای تشکیل کمیته تحقیق بین‌المللی درباره وضعیت لیبی استقبال کرد. با این حال نکته مهم در قطعنامه شورای امنیت تأکید صریح شورا بر «مسئولیت حمایت» حکومت لیبی درباره جمعیت خود بود. قطعنامه ۱۹۷۰ در چهارچوب فصل هفتم منشور و پس از شناسایی وضعیت لیبی به عنوان عامل به خطر انداختن صلح و امنیت بین‌المللی بود. بر این اساس شورای امنیت ضمن تقاضا برای پایان دادن فوری به خشونت‌ها در لیبی و پذیرش مطالبات مشروع مردم این کشور و درخواست از حکومت لیبی برای احترام به حقوق بشر، حقوق بشردوستانه بین‌المللی، صدور اجازه دسترسی به ناظران حقوق بشردوستانه بین‌المللی، رفع محدودیت رسانه‌ها و فراهم کردن خروج امن اتباع بیگانه از لیبی، مطابق ماده ۴۱ «تصمیمات» زیر را اتخاذ کرد:

ارجاع وضعیت لیبی به دادستان دیوان کیفری بین‌المللی از ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ و درخواست از دادستان برای ارائه گزارش طی مدت دو ماه و همچنین درخواست از لیبی برای همکاری با دیوان؛ تحریم تسلیحاتی لیبی و درخواست از تمام دولت‌های عضو برای اتخاذ اقدامات ضروری و فوری برای جلوگیری از عرضه و انتقال سلاح به لیبی؛ ممنوعیت سفر ۱۶ نفر از مقامات لیبی براساس فهرست مندرج در ضمیمه قطعنامه یا براساس تصمیم کمیته پیگیری تحریم؛ مسدود کردن دارایی‌های ۶ نفر از مقامات لیبی و در نهایت ایجاد کمیته تحریم با عضویت همه اعضای شورای امنیت برای پیگیری و اجرای تصمیمات شورا و ارائه گزارش طی مدت ۳۰ روز به شورای امنیت. (UN. Org.

قطعهنامه ۱۹۷۰ نه تنها مانع از اعمال خشونت حکومت لیبی علیه معترضان نشد، بلکه با تهدید علنی قذافی علیه مخالفان نگرانی‌ها در خصوص وضعیت غیرنظامیان در این کشور افزایش یافت. در این زمان سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی با اعلام مواضع و تصمیمات خود و نیز درخواست از شورای امنیت برای عمل به وظایفش، عملاً زمینه را برای ورود شورا به ماده ۴۲ فراهم ساختند. فرانسه و انگلستان در شرایطی که ایالات متحده در قبال گزینه نظامی برای مواجهه با این بحران محتاطانه برخورد می‌کرد، پیش نویس اجرای منطقه پرواز ممنوع را برای ارائه به شورای امنیت آماده کردند. شورای امنیت سازمان ملل در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ قطعهنامه ۱۹۷۳ را با ۱۰ رای موافق و ۵ رای ممتنع (روسیه، چین، هند، برزیل و آلمان) به تصویب رساند. این قطعهنامه با اشاره به عدم اجرای قطعهنامه ۱۹۷۰ اقدام به اتخاذ تصمیماتی می‌کند که در چهارچوب ماده ۴۲ منشور ارزیابی می‌شود. این قطعهنامه ضمن محکومیت اعمال خشونت آمیز در لیبی مجدداً و صراحتاً بر «مسئولیت» حکومت لیبی در «حمایت» از جمعیت خود تأکید و این تصمیمات را اتخاذ می‌کند: درخواست از تمام دولتها برای اتخاذ تمام اقدامات ضروری برای حمایت از غیرنظامیان و مناطق غیرنظامی در معرض تهدید در هماهنگی با دبیرکل سازمان ملل متحد؛ ایجاد منطقه پرواز ممنوع<sup>۱</sup> برای کمک به حمایت از غیرنظامیان؛ درخواست از اتحادیه عرب برای همکاری با سازمان در اجرای منطقه پرواز ممنوع؛ تشدید تحریم‌ها علیه لیبی و نیز افزایش مسدود کردن دارایی‌های این کشور و مقامات آن؛ ممنوعیت پرواز بر فراز لیبی و الزام دولتهای عضو برای همکاری با شورای امنیت جهت حمایت از غیرنظامیان بدون اشغال خاک لیبی. (UN. Org, SC/RES/1973, 2011) اهمیت این قطعهنامه در تأکید بر نقش سازمان‌های منطقه‌ای در اجرای تصمیمات شورا و نیز تأکید بر RtoP و اتخاذ تصمیم مطابق با آن بود. البته قطعهنامه ۱۹۷۳ در شرایطی تصویب شد که کشورهایی چون روسیه و چین به آن رای ممتنع دادند و اعلام کردند از راهکارهای مسالمت آمیز حمایت می‌کنند. «درعین حال اشاره قطعهنامه به اینکه دولت‌ها "تمام اقدامات ضروری" را با اطلاع دبیرکل اتخاذ کنند، مبهم بود. این ابهام می‌توانست زمینه ساز اقدامات بی پایان باشد.»

(Collins, 2011: 3-4)

با تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ اجرای منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی با مشارکت گروهی از دولت‌ها آغاز و در ادامه رهبری عملیات برای اجرای منطقه پرواز ممنوع به ناتو واگذار شد. در جریان این عملیات ۱۵ عضو ناتو و کشورهایی چون اردن، قطر و امارات مشارکت کردند. عملیات در لیبی علاوه بر اجرای منطقه پرواز ممنوع، حمایت از جمعیت غیرنظامی و نیز مناطق در معرض تهدید بود. در این بین نیروهای مشارکت‌کننده با توجیه این هدف، در موارد عدیده‌ای نیروهای هوادار قذافی را هدف حملات هوایی قرار دادند. قطعنامه ۱۹۷۳ در نهایت منجر به سقوط رژیم قذافی و پیروزی انقلاب لیبی شد. البته تصمیمات شورای امنیت که به استناد وظایف مندرج در منشور در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی به ویژه مطابق فصل هفتم منشور و نیز براساس دکترین مسئولیت حمایت اتخاذ شده بود، محدود به این دو قطعنامه نشد. دیگر قطعنامه‌های شورای امنیت درخصوص قضیه لیبی را می‌توان به طور خلاصه شامل موارد زیر بیان کرد:

- قطعنامه ۲۰۰۹ مورخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۱: اعلام تعهد به حاکمیت، استقلال و یکپارچگی لیبی؛ محکوم کردن خشونت‌ها به ویژه خشونت جنسی علیه زنان و دختران؛ استقبال از نقش سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای؛ تأکید بر نیاز به یک دوره انتقالی با تعهد به دموکراسی، حکمرانی خوب، حاکمیت قانون و احترام به حقوق بشر و تعهدات شورای ملی انتقالی در حمایت از جمعیت لیبی، جوگیری از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، برگزاری انتخابات عادلانه و جلوگیری از تکثیر سلاح‌ها. (UN. Org, SC/RES/2009, 2011)

- قطعنامه ۲۰۱۶ مورخ ۲۷ اکتبر ۲۰۱۱: اشاره به قطعنامه‌های گذشته؛ تأکید بر آینده لیبی مبتنی بر بازسازی ملی، عدالت و احترام به حقوق بشر و حاکمیت قانون و اهمیت پیشبرد مشارکت تمامی اعضای گروه‌های نژادی و اجتماعی به ویژه زنان و اقلیت‌ها در آینده لیبی پس از منازعه. (UN. Org, SC/RES/2016, 2011)

- قطعنامه ۲۰۱۷ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۱۱: تأکید بر اهمیت مأموریت حمایت سازمان ملل در لیبی<sup>۱</sup>؛ نگرانی از تسلیحات متعارف و غیرمتعارف در لیبی و فعالیت برخی

گروه‌های تروریستی؛ درخواست از لیبی برای هماهنگی و همکاری نزدیک با سازمان ممنوعیت سلاح‌های شیمیایی و درخواست از سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی برای ارائه کمک‌های ضروری به لیبی و دولت‌های منطقه. (UN. Org, SC/RES/2017, 2011)

–قطعنامه ۲۰۲۲ مورخ ۲ دسامبر ۲۰۱۱: استقبال از تشکیل حکومت انتقالی در لیبی؛ تأکید بر نقش محوری سازمان ملل در دوران پس از منازعه و تأکید بر اهمیت نقش مأموریت حمایت سازمان ملل در لیبی. (UN. Org, SC/RES/2022, 2011)

–قطعنامه ۲۰۴۰ مورخ ۱۲ مارس ۲۰۱۲: تأکید بر قطعنامه‌های گذشته و نیز تمدید مأموریت سازمان ملل در این کشور. (UN. Org, SC/RES/2040, 2011)

### ب: نقش سازمان‌های منطقه‌ای و نهادهای بین‌المللی

اقدامات قذافی در مواجهه با معترضان به سرعت موجب جلب توجه دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی شد و در این راستا آنها اقدام به اتخاذ یک رشته اقدامات سیاسی، اقتصادی و در نهایت نظامی برای حمایت از مردم کردند. در ابتدا سازمان دیده بان حقوق بشر در گزارش خود درباره وضعیت لیبی اعلام کرد تا ۲۰ فوریه حداقل ۲۳۳ نفر در طی ۴ روز کشته شده‌اند. این امر موجب فراخوان گروه‌های غیردولتی برای پایان خشونت از سوی دولت لیبی و اقدام موثر از سوی دولت‌ها و بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی برای حمایت از مردم لیبی شد. از اولین سازمان‌هایی که اقدام به محکومیت اقدامات دولت لیبی و درخواست برای اقدام در پاسخ به این بحران شدند می‌توان از اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی (در ۲۲ فوریه) و اتحادیه افریقا (در ۲۳ فوریه) نام برد.

اتحادیه عرب از جمله سازمان‌های منطقه‌ای است که نقش مهمی را در بحران لیبی ایفا کرد. اهمیت نقش اتحادیه عرب این بود که «به عنوان سازمانی که ستتا بر اصل عدم مداخله تأکید داشت، مشارکت لیبی در این اتحادیه را تا توقف خشونت‌ها معلق کرد» (Bellamy and Williams, 2011: 839) و خواهان مداخله شورای امنیت برای پایان دادن به این بحران شد. ضمن آنکه شورای همکاری خلیج فارس نیز در ۱۰ مارس ۲۰۱۱ با اعلام این که رژیم قذافی مشروعیت خود را از دست داده است، از اتحادیه عرب

خواست تا با شورای موقت (بعدا به شورای ملی انتقالی<sup>۱</sup> لیبی تغییر نام داد) در تماس باشد. همچنین شورای همکاری خلیج فارس در ۷ مارس و اتحادیه عرب در ۱۲ مارس از شورای امنیت سازمان ملل خواستند تا بر فراز لیبی منطقه پرواز ممنوع اعلام کند. دبیرکل سازمان همکاری اسلامی نیز که سازمان متبوع او پیش از این خواهان اعلام منطقه پرواز ممنوع در لیبی شده بود، در جریان دومین نشست اضطراری سازمان درباره لیبی در ۱۹ مارس از اعلام منطقه پرواز ممنوع توسط شورای امنیت در قطعنامه ۱۹۷۳ استقبال کرد.

اتحادیه افریقا نیز از آغاز بحران تلاش کرد تا یک راه حل سیاسی و صلح آمیز برای پایان دادن به بحران لیبی بیابد. در این راستا از ابتدا بر رد هرگونه مداخله خارجی تأکید می‌کرد. این اتحادیه که در ۲۳ فوریه استفاده حکومت لیبی از سلاح علیه معترضان و نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه در این کشور را محکوم کرده بود، در ۲۵ مارس با ارایه نقشه راه صلح خواهان آتش بس فوری برای اجرای اصلاحات سیاسی شد. به‌رغم پذیرش رژیم قذافی، شورای ملی انتقالی این طرح را به دلیل عدم درخواست استعفا از قذافی رد کرد. با این حال اتحادیه به تلاش‌های خود برای رسیدن به یک راه حل سیاسی در منازعه ادامه داد و در این راه حتی از تحریم‌های شورای امنیت حمایت نکرد و با درخواست صدور حکم بازداشت معمر قذافی توسط دیوان کیفری بین‌المللی مخالفت نمود. (Responsibility to Protect. Org, 2012: 3) اتحادیه افریقا یکی از آخرین سازمان‌های منطقه‌ای بود که در ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۱ شورای ملی انتقالی لیبی را به عنوان حکومت مشروع این کشور شناسایی کرد.

اتحادیه اروپا نیز در این بحران به صورت فعال واکنش نشان داد. در میان اعضای اتحادیه، فرانسه و انگلستان رویکرد فعالی در این زمینه داشتند. اتحادیه اروپا علاوه بر محکوم کردن خشونت‌ها، اقدام به اعمال تحریم‌های اقتصادی، سیاسی و تسلیحاتی علیه لیبی کرد. در این زمینه اروپاییان ضمن ممنوع کردن سفر قذافی و اعضای خانواده‌اش به قلمرو اتحادیه، اقدام به مسدود کردن دارایی‌های حکومت لیبی کردند.

در این بین ناتو مهم‌ترین نقش را از منظر عملیاتی در بحران لیبی ایفا کرد. با اتخاذ تصمیم شورای امنیت مبنی بر اعمال منطقه پرواز ممنوع، ناتو به‌رغم اختلاف نظر در

1. National Transitional Council :NTC

میان اعضا، در ابتدا رهبری عملیات برای اعمال منطقه پرواز ممنوع در لیبی و در نهایت رهبری تمام عملیات‌های نظامی مندرج در قطعنامه ۱۹۷۳ را بر عهده گرفت. در جریان این عملیات‌ها، ائتلافی مرکب از ۱۵ عضو ناتو و کشورهای سوئد، اردن، قطر و امارات تشکیل و در اجرای منطقه پرواز ممنوع بر فراز قلمرو لیبی مشارکت کردند. این ائتلاف همچنین اقدام به حمایت از نیروهای شورای ملی انتقالی در بنغازی، مصراته و دیگر شهرهای لیبی کرد. ماموریت ناتو رسماً در ۳۱ اکتبر با رای اجماعی شورای امنیت مبنی بر پایان دادن به منطقه پرواز ممنوع در لیبی، پایان یافت. (Responsibility to Protect. (Org, 2012: 7

در کنار سازمان‌های منطقه‌ای که با ایفای نقش فعال در بحران لیبی اقدام به جلب توجه افکار عمومی جهانی و نیز فعال نمودن سازوکارهای بین‌المللی کردند، بررسی نقش سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد که با اتخاذ تصمیم قاطع از سوی شورای امنیت، زمینه حل بحران را فراهم نمود، اهمیت دارد. ضمن آنکه تصمیمات شورای امنیت پیش از این مورد بررسی قرار گرفته است.

ناوی پیلای کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل<sup>۱</sup> از جمله اولین شخصیت‌های بین‌المللی بود که در ۲۲ فوریه ۲۰۱۱ به بحران در لیبی واکنش نشان داد. او خواهان اقدام فوری در برابر نقض فاحش حقوق بشر توسط حکومت لیبی و نیز تحقیق مستقل بین‌المللی درباره اعمال خشونت به مخالفات قذافی شد. (Ohchr. Org, 2011) دبیرکل سازمان ملل متحد نیز در ۲۵ فوریه به ابراز نگرانی از گزارش‌ها در زمینه استفاده از خشونت توسط حکومت لیبی علیه معترضان پرداخت.

شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد نیز در ۲۵ فوریه ۲۰۱۱ طی قطعنامه‌ای از حکومت لیبی خواست تا به اعمال مسئولیت در حمایت از شهروندان خود و توقف نقض حقوق بشر بپردازد. شورا همچنین اقدام به ایجاد یک کمیسیون بین‌المللی تحقیق درباره بحران لیبی<sup>۲</sup> کرد و از مجمع عمومی خواست تا عضویت لیبی را در شورای حقوق بشر معلق کند. در پاسخ به این درخواست مجمع عمومی سازمان ملل در ۱ مارس عضویت لیبی را از شورا به حالت تعلیق در آورد. به‌رغم سقوط رژیم قذافی،

1. UN High Commissioner for Human Rights
2. The International Commission of Inquiry on Libya

کمیسیون بین‌المللی تحقیق درباره لیبی که از سوی شورای حقوق بشر تشکیل شده بود در ۲ مارس ۲۰۱۲ گزارش خود را ارائه کرد که در آن از یافتن شواهدی از ارتکاب به جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت از سوی نیروهای قذافی و همچنین مخالفان او خبر داد. در این گزارش درخواست شد تا یک سازوکار برای جلوگیری از معافیت از مجازات و مشخص کردن خشونت‌ها به ویژه از طریق یک دادگاه مستقل، ایجاد شود. در ۹ مارس ۲۰۱۲ نیز شورای حقوق بشر در جریان یک گفت‌وگوی تعاملی با این کمیسیون، تأکید کرد چالش‌ها در لیبی همچنان پابرجاست. (Responsibility to Protect, Org, 2012: 12)

دیوان کیفری بین‌المللی نیز با ارجاع قضیه لیبی به این دیوان از سوی شورای امنیت سازمان ملل در چهارچوب قطعنامه ۱۹۷۰ ورود پیدا کرد. قطعنامه وضعیت لیبی را از تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۱ به دیوان ارجاع و از دادستان دیوان خواست تا ظرف دو ماه اولین گزارش خود را در مورد قضیه لیبی به شورای امنیت ارائه کند. در بخشی از گزارش تحقیق دادستان در ۶ آوریل آمده بود: غیرنظامیان در لیبی در خانه‌های خود مورد حمله قرار گرفته‌اند و سرکوب شدید علیه معترضان و شرکت کنندگان در مراسم تشییع رخ داده است. در ۸ ژوئن نیز دادستان دیوان تأیید کرد حکومت لیبی از تجاوز و خشونت جنسی به عنوان ابزار سرکوب برای هدف قرار دادن مخالفان استفاده کرده است. (UN. Org, News Centre, 2011) در نهایت دادستان دیوان در ۲۷ ژوئن ۲۰۱۱ سه حکم بازداشت برای معمر قذافی و فرزند او سیف الاسلام و عبدالله السنوسی رییس دستگاه اطلاعات و امنیت لیبی به اتهام جنایات علیه بشریت صادر کرد.

در بحران لیبی علاوه بر سازمان‌های مورد اشاره نهادهایی چون یونیسف، کمیسر عالی پناهندگان سازمان ملل، دفتر امور هماهنگی امور انساندوستانه و... به ایفای نقش پرداختند. ضمن آنکه رهبران برخی کشورها با همراهی برخی سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای اقدام به تشکیل گروه تماس لیبی و سپس گروه دوستان لیبی برای هماهنگی اقدامات خود کردند. این گروه در ۲۵ اگوست ۲۰۱۱ شورای ملی انتقالی لیبی را مورد شناسایی قرار داد.

خلاصه مهم‌ترین اقدامات سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در قضیه لیبی

نام سازمان	مهم‌ترین اقدامات
اتحادیه آفریقا	محکوم کردن خشونت‌ها و تلاش برای یافتن راه حل سیاسی با اعزام هیئت نمایندگان و ارائه نقشه راه برای صلح. عدم حمایت از تحریم‌های شورای امنیت و مخالفت با حکم بازداشت قذافی از سوی ICC برای پیگیری راه حل سیاسی. شناسایی شورای ملی انتقالی لیبی در ۲۰ سپتامبر.
اتحادیه عرب	محکوم کردن خشونت‌ها در لیبی و تعلیق عضویت لیبی. درخواست مداخله شورای امنیت و اعمال منطقه پرواز ممنوع و حمایت از آن. به رسمیت شناختن شورای ملی انتقالی در ۲۷ اوت.
شورای همکاری خلیج فارس	محکوم کردن خشونت‌ها و نامشروع دانستن حکومت قذافی. درخواست مداخله شورای امنیت و اعمال منطقه پرواز ممنوع و حمایت از آن. به رسمیت شناختن شورای ملی انتقالی.
سازمان همکاری اسلامی	برگزاری جلسات اضطراری و درخواست برای پایان خشونت‌ها. درخواست اعمال منطقه پرواز ممنوع و حمایت از آن. به رسمیت شناختن شورای ملی انتقالی.
اتحادیه اروپا	محکوم کردن خشونت‌ها در لیبی و اعمال تحریم‌های سیاسی و اقتصادی. به رسمیت شناختن شورای ملی انتقالی.
ناتو	فرماندهی عملیات نظامی و اجرای منطقه پرواز ممنوع در لیبی و تدارک حمایت از غیرنظامیان و نیروهای مخالف رژیم قذافی.
کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل	محکوم کردن خشونت‌ها و تقاضای تحقیق بین‌المللی و هماهنگی امور حقوق بشری درباره لیبی و ادامه بررسی وضعیت حقوق بشر در لیبی پس از سقوط قذافی.
دبیرکل سازمان ملل	محکوم کردن خشونت‌ها و فراخوان و هماهنگی ارکان سازمان ملل درباره بحران لیبی.
شورای حقوق بشر	تشکیل جلسه اضطراری، ایجاد کمیسیون تحقیق بین‌المللی و تقاضای تعلیق عضویت لیبی در شورا از مجمع عمومی سازمان ملل. ارائه گزارش کمیسیون تحقیق و پیگیری وضعیت حقوق بشر در لیبی قبل و پس از سقوط قذافی.

مجمع عمومی سازمان ملل	تعلیق عضویت لیبی در شورای حقوق بشر. اعطای کرسی لیبی در مجمع عمومی به شورای ملی انتقالی در ۱۶ سپتامبر ۲۰۱۱.
شورای امنیت سازمان ملل	صدور قطعنامه ۱۹۷۰ در ۲۶ فوریه ۲۰۱۱ در تحریم سیاسی، اقتصادی و تسلیحاتی لیبی و ارجاع قضیه لیبی به دیوان کیفری بین‌المللی. صدور قطعنامه ۱۹۷۳ در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ در اعلام منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی.
دیوان کیفری بین‌المللی	تحقیقات دادستان دیوان درباره قضیه لیبی. صدور حکم بازداشت برای معمر قذافی، سیف الاسلام و السنوسی. مذاکره با دولت انتقالی لیبی برای محاکمه سیف الاسلام و السنوسی در دیوان.

### ج: ارزیابی اجرای دکترین مسئولیت حمایت در قضیه لیبی

مطابق دکترین مسئولیت حمایت دولت‌ها در قبال جمعیت خود در برابر جرایم و جنایاتی چون نسل‌کشی، جنایات جنگی، پاکسازی نژادی و جنایات علیه بشریت مسئولیت دارند و اگر قادر به عمل به تکالیف خود نباشند، جامعه بین‌المللی این مسئولیت را بر عهده خواهد گرفت. آغاز اعتراضات در لیبی و اعمال خشونت گسترده از سوی حکومت این کشور در نهایت منجر به واکنش سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و در نهایت اقدام شورای امنیت براساس فصل هفتم و با ارجاع به دکترین مسئولیت حمایت بود. همانگونه که اشاره شد این دکترین صرفاً به معنای مداخله نظامی نیست. RtoP شامل به کارگیری ظرفیت دولت، کمک برای ارتقا ظرفیت دولت و در نهایت اقدام بین‌المللی در صورت ناتوانی دولت و شامل سه استراتژی «پیشگیری»، «مداخله» و «بازسازی» می‌شود.

آنچه مشخص است جامعه بین‌المللی به ویژه سازمان ملل متحد در زمینه پیشگیری از وقوع فجایع انسانی تاکنون ناکام بوده است. این امر به واسطه محدودیت امکانات و یا فقدان سازوکارهای مناسب و الزام آور برای تحقق اهداف سازمان به ویژه در مباحثی چون حمایت از حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی و ارتقا استانداردهای بالاتر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در کشورها مواجهه بوده است. به همین دلیل ما همواره شاهد بروز بحران‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، زیست

محیطی و... در اقصی نقاط جهان بوده ایم و جامعه بین‌المللی و سازمان ملل متحد در بهترین حالت صرفاً قادر به «واکنش» در قبال چنین بحران‌هایی بوده‌اند. البته در بیشتر موارد به ویژه بحران‌هایی که همراه به نقض فاحش و گسترده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بین‌المللی در منازعات داخلی و منطقه‌ای است نیز به واسطه معیارهای دوگانه و یا منافع متعارض قدرت‌های دایم در شورای امنیت، یا واکنش مناسبی صورت نگرفته است و یا آنچنان دیر واکنش نشان داده شده که فجایع انسانی گسترده‌ای رخ داده است.

در قضیه لیبی می‌توان صرفاً به دو استراتژی «مداخله و بازسازی» در چهارچوب دکترین مسئولیت حمایت اشاره داشت. چرا که اقدامات مرتبط با استراتژی «پیشگیری» پیش‌بینی و محقق نگردید و همین امر منجر به بروز بحران در لیبی شد. البته تحقق دو استراتژی مداخله و بازسازی نیز به معنای اهمیت یکسان آنها در نزد جامعه بین‌المللی نبوده است. به عبارت دیگر در قضیه لیبی اجرای استراتژی «مداخله» پررنگ‌تر از «بازسازی» بوده است.

با این حال در پاسخ به بحران لیبی براساس اقدامات سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز اجازه قانونی شورای امنیت سازمان ملل ۴ دسته اقدامات سیاسی-دیپلماتیک، اقتصادی-اجتماعی، حقوقی-نهادی و امنیتی صورت گرفت. براساس جدول مورد اشاره در تبیین دکترین مسئولیت حمایت، می‌توان با جدول زیر به ارزیابی اقدامات جامعه بین‌المللی در مواجهه با بحران لیبی مطابق RtoP پرداخت:

اقدامات	مرحله مداخله	مرحله بازسازی
سیاسی-دیپلماتیک	-تلاش‌های اتحادیه آفریقا، دبیرکل سازمان ملل و... برای مذاکره با معمر قذافی و رسیدن به راهکار سیاسی برای حل بحران. -تحریم سفر مقامات لیبی از سوی اتحادیه اروپا و شورای امنیت سازمان ملل متحد.	-تأکید سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه شورای امنیت بر برگزاری انتخابات عادلانه در لیبی، تعهد حکومت لیبی به دموکراسی، حاکمیت قانون، حکمرانی خوب و احترام به حقوق بشر. -تدارک مأموریت حمایتی سازمان ملل برای برقراری دموکراسی. -ادامه فعالیت شورای حقوق بشر در لیبی و

<p>تعامل با حکومت لیبی برای بهبود وضعیت حقوق بشر در این کشور.</p>	<p>رسمیت شناختن شورای ملی انتقالی توسط سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی.</p>	
<p>- تأکید سازمان ملل در قطعنامه‌های مختلف شورای امنیت بر مشارکت گروه‌های اجتماعی و نژادی از جمله زنان و اقلیت‌ها در آینده لیبی. - کمک‌های بشردوستانه و اقتصادی از سوی کشورها و برخی آژانس‌های سازمان ملل برای بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی لیبی.</p>	<p>- تحریم اقتصادی و مسدود کردن دارایی‌های مقامات لیبی توسط اتحادیه اروپا. - تحریم اقتصادی و مسدود کردن دارایی‌های مقامات این کشور توسط شورای امنیت.</p>	<p>اقتصادی- اجتماعی</p>
<p>- تأکیدات شورای امنیت بر تعامل میان لیبی و دیوان کیفری بین‌المللی برای تحقق عدالت انتقالی. - تأکیدات شورای امنیت در زمینه همکاری بین‌المللی برای بازگشت آوارگان به لیبی. - احیای عضویت لیبی در نهادهای بین‌المللی. - ادامه فعالیت‌های شورای حقوق بشر و ماموریت حمایتی سازمان ملل در لیبی. - گزارش‌های دیده بان حقوق بشر درخصوص اعدام هواداران قذافی، درخواست عفو بین‌الملل برای تحقیق در مورد نحوه مرگ معمر قذافی و حمایت دفتر کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل از این موضوع. - مذاکرات دیوان کیفری بین‌المللی با حکومت لیبی برای محاکمه سیف الاسلام و السنوسی.</p>	<p>- تعلیق عضویت لیبی در شورای حقوق بشر توسط مجمع عمومی سازمان ملل. - تعلیق عضویت لیبی در اتحادیه عرب. - ارجاع قضیه لیبی به دیوان کیفری بین‌المللی.</p>	<p>حقوقی- نهادی</p>
<p>- تکالیف شورای امنیت برای حکومت لیبی در زمینه جلوگیری از تکثیر سلاح‌ها و یا</p>	<p>- تحریم تسلیحاتی لیبی توسط اتحادیه اروپا و شورای امنیت.</p>	<p>امنیتی</p>

<p>انتقال تسلیحات به گروه‌های تروریستی.          -درخواست شورای امنیت از لیبی در خصوص همکاری با ترتیبات بین‌المللی در زمینه تسلیحات متعارف و غیرمتعارف.          -تمدید ماموریت حمایتی سازمان ملل در لیبی برای امنیت عمومی و متوقف کردن ورود سلاح به لیبی.          -همکاری برخی کشورها مانند الجزایر در بازسازی ارتش و پلیس لیبی.</p>	<p>-اعلام منطقه پرواز ممنوع بر فراز لیبی توسط شورای امنیت.          -تدارک حمایت از غیرنظامیان و اجرای منطقه پرواز ممنوع با توسل به زور به فرماندهی ناتو.</p>	
--	---	--

## دستاورد

بحران لیبی عرصه‌ای برای ارزیابی دکترین مسئولیت حمایت و مباحث مداخله بشردوستانه بود. در گذشته ابهامات و مخالفت‌هایی با مداخلات بشردوستانه به واسطه تأکید بر "حاکمیت" دولت‌ها، صورت گرفته بود و چالش به این موضوع به نقض فاحش حقوق مردم در برخی منازعات داخلی و بین‌المللی منجر شده بود. اما تلاش‌های جامعه بین‌المللی در قالب سازمان ملل متحد در ایجاد ارتباط میان "حاکمیت دولت‌ها" و "مسئولیت‌های آنان" به ویژه در حمایت از مردم و غیر نظامیان در چهارچوب قواعد حقوق بشر و حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به طرح دکترین مسئولیت حمایت انجامید و این مفهوم جدید به عنوان یک هنجار بین‌المللی حقوق بشری از سوی رهبران جهان در نشست سران سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ با اجماع مورد پذیرش قرار گرفت. وقوع ناآرامی‌های جهان عرب و تسری آن به لیبی موجب جلب توجه جامعه بین‌المللی به بحران در این کشور شد. مداخله جامعه بین‌المللی در بحران لیبی با اولین مجوز توسل به زور شورای امنیت با اتکا به دکترین مسئولیت حمایت، در نهایت به سقوط رژیم دیکتاتوری معمر قذافی انجامید. نحوه مواجهه با بحران لیبی نشان داد که در صورت اتفاق نظر و یا حداقل عدم مخالفت با هنجارهای جهانی حقوق بشری، نه تنها زمینه بین‌المللی برای حمایت از مردم در شرایطی که دولتی قادر به ایفای مسئولیت خود در قبال مردمش نباشد، وجود دارد،

بلکه سازمان ملل متحد می‌تواند به اقدام موثر و عملی در این باره اقدام کند. از مهم‌ترین آثار این مداخله پررنگ شدن اهمیت دکترین مسئولیت حمایت و فراهم شدن زمینه برای تبدیل آن به یک هنجار بین‌المللی بود. جایی که جامعه بین‌المللی توانست با اتفاق نظر سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی و در رویکردی چندجانبه گرایانه یک رشته اقدامات سیاسی، اقتصادی و امنیتی را در حمایت از حقوق انسانی تدارک ببیند.

البته بحران لیبی باعث شد تا چند ابهام و سوال نیز به ویژه در ارتباط با این دکترین مطرح شود، این امر به جدید بودن این هنجار باز می‌گردد و به نظر می‌رسد در صورت پرداختن به این موارد زمینه برای اجماع بین‌المللی در الزام آوری و اجرای RtoP در آینده فراهم شود:

۱- نقش و مسئولیت جامعه بین‌المللی در پیشگیری از وقوع چنین فجایعی چیست و جامعه بین‌المللی به طور مشخص چه اقداماتی برای جلوگیری از تکرار این رخدادها باید انجام دهد؟ ضمانت اجرای این اقدامات چیست؟

۲- در چه شرایطی و چگونه باید تصمیم به مداخله گرفت؟ در صورت تصمیم به مداخله، چه نهاد و رکنی در فقدان کمیته ستاد نظامی سازمان ملل متحد باید فرماندهی عملیات را بر عهده گیرد تا تجلی اراده جامعه بین‌المللی باشد؟

اهمیت این مسئله در توجه به این مسئله است که به‌رغم پذیرش اجماعی سند نشست سران سازمان ملل در سال ۲۰۰۵ برداشت کشورهای مختلف از برخی مواد آن از جمله موضوعات مرتبط با RtoP یکسان نیست. حتی در زمان بحران لیبی به رغم اشاره صریح قطعنامه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۷۳ شورای امنیت به مسئولیت حمایت، تلقی اعضای شورا (مانند فرانسه و انگلیس در برابر روسیه و چین) از اقدامات ناشی از قطعنامه متفاوت بود.

۳- مسئله مهم دیگر برای جلوگیری از تکرار چنین رخدادهایی، مسئولیت جامعه بین‌المللی برای بازسازی و کمک به توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. این امر مستلزم تدارک لازم و نیز درگیری دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای در لیبی و نیز موارد مشابه است. چرا که در صورت عدم توجه جدی به مسئله بازسازی، چالش‌هایی چون عدم توسعه، فقر، تداوم ساختارهای ناعادلانه و فاسد، عدم ایجاد

دولت فراگیر و مقتدر و... می‌تواند به بازگشت جامعه به شرایط بحران و در نتیجه به خطر افتادن حقوق انسانها منجر شود.

۴- آنچه در نتیجه کاربرد RtoP در قضیه لیبی اتفاق افتاد، «تغییر رژیم» در این کشور بود. این در حالی است که در دکترین مسئولیت حمایت چنین موضوعی پیش‌بینی نشده است. در صورتی که ابهامات در این زمینه در RtoP روشن نشود می‌تواند از یکسو این دکترین را به توجیهی برای تغییر رژیم در دیگر کشورها بدل سازد و از سوی دیگر نگرانی از به کارگیری دکترین با اهدافی چون تغییر رژیم، مانع از اقدام موثر و کارآمد جامعه بین‌المللی به ویژه در قالب شورای امنیت سازمان ملل در موارد مشابه (مانند سوریه) شود.

۵- همانند موضوع مداخله بشردوستانه در این دکترین نیز همچنان ابهاماتی وجود دارد. اینکه در چه زمان و در برابر چه میزان از نقض حقوق انسانها باید تصمیم به مداخله گرفت؟ ضمن آنکه توسل برخی دولت‌ها به معیارهای دوگانه در جهت منافع خود و متحدان شان و یا علیه برخی کشورهای دیگر، می‌تواند به جای ایجاد اجماع جهانی بر سر چهارچوب RtoP موجب افزایش اختلاف نظر پیرامون آن شود.

۶- کشورها، سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی در عین آنکه می‌توانند به پیشبرد و اجرای RtoP و نیز ارتقای حمایت انسانی در زمان بحران‌ها کمک کنند، می‌توانند به مانعی در این راه نیز بدل شوند. نقش روسیه، چین و حتی لبنان در تصویب قطعنامه‌های شورای امنیت علیه لیبی و در مقابل نقش آنها در عدم تصویب قطعنامه درباره سوریه، نقش شورای همکاری خلیج فارس در مشروعیت زدایی از رژیم قذافی و تقاضا برای مداخله در لیبی و در مقابل نقش آن در حمایت از رژیم آل خلیفه در بحرین، معیارهای دوگانه در مواجهه با اعتراضات مردمی و نیز وضعیت حقوق بشر در کشورهایی چون یمن و... از این جمله‌اند.

۷- نحوه مواجهه با حکومت جانشین رژیم دیکتاتوری در صورت نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط آن و یا ناتوانی از اعمال حاکمیت بر قلمرو پس از پایان منازعه موضوع مهم دیگر است. نمونه‌های این مسئله را می‌توان در نحوه مرگ معمر قذافی، اعدام هواداران قذافی از سوی مخالفان، درگیری‌های خونین میان خود انقلابیون و گروه‌ها و اقوام مختلف در لیبی پس از سقوط قذافی و... ذکر کرد. البته

جامعه بین‌المللی در این زمینه در قالب «بازسازی» تعهداتی دارد که نیازمند ادامه بحث درخصوص RtoP و اصول و چهارچوب‌های آن است.

به رغم این ابهامات و سوالات، بحران لیبی دستاوردهای بزرگ داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی داشته است. در وهله اول سقوط یک رژیم دیکتاتوری و ناقض حقوق انسانی به شرط حرکت کشور لیبی به سوی توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در بلند مدت می‌تواند به تامین صلح و امنیت منطقه‌ای و بین‌المللی کمک کند.

در وهله دوم توسل به دکترین مسئولیت حمایت و صدور مجوز مداخله در یک کشور به منظور حمایت انسانی، بار دیگر اهمیت حفظ حقوق و کرامت انسانی را در نزد جامعه بین‌المللی و به ویژه سازمان ملل متحد آشکار می‌سازد. آنچه در قضیه لیبی اتفاق افتاد بیش از اینکه سوال درخصوص این باشد که «آیا» باید اقدامی انجام داد یا نه، این بود که «چگونه» باید در قبال این بحران اقدام کرد؟

سوم هرچند مداخله در لیبی به واسطه شخصیت نامتعادل قذافی و بی اعتمادی جامعه بین‌المللی به رژیم دیکتاتوری او با همراهی (یا حداقل عدم مخالفت) قدرت‌های دایمی شورای امنیت تسهیل شد؛ اما تصمیمات مجمع عمومی سازمان ملل متحد، قطعنامه‌های شورای امنیت پیش و در جریان و پس از بحران لیبی و پاسخ و واکنش نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی به وضعیت لیبی همگی حاکی از افزایش اعتبار، مشروعیت و زمینه برای تثبیت RtoP به عنوان یک هنجار بین‌المللی است.

چهارم همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند زمینه ساز حفظ صلح و امنیت در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی شود. اقدام در قبال بحران لیبی به واسطه اجماع منطقه‌ای و بین‌المللی علیه رژیم قذافی میسر شد. طبیعتاً نمونه‌های اندکی از چنین اجماعی را می‌توان در تاریخ سازمان ملل متحد مشاهده کرد. پیش از این در مواردی که شورای امنیت قادر به تصمیم‌گیری می‌شد، سازمان‌ها و ترتیبات منطقه‌ای برای اجرای آن به کمک شورا می‌آمدند اما در قضیه لیبی با اقدامات کشورها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در عین مشروعیت زدایی از رژیم قذافی و تقاضا برای مداخله شورای امنیت، زمینه برای مشروعیت بخشی به تصمیمات شورای امنیت فارغ از وظایف و اختیارات شورا مندرج در فصل هفتم منشور فراهم شد. از این رو می‌توان نقش ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی در تثبیت و اجرای RtoP و در نتیجه حمایت از حقوق انسانی را بیشتر از

هر زمان دیگر دانست.

در نهایت آنچه امروز اهمیت پیدا کرده است تسری اقدام و واکنش در قبال بحران‌ها از سطح صرفاً امنیتی-نظامی به سیاسی-اقتصادی-اجتماعی به ویژه به منظور «پیشگیری» و یا در صورت مداخله، با هدف «بازسازی» است. آنچه بیش از مداخله اهمیت دارد تقویت ظرفیت دولت‌ها برای عمل به تعهدات بین‌المللی آنهاست. در صورت عدم تحقق این امر، هرگونه واکنش نسبت به چنین بحرانی‌هایی باید با در نظر گرفتن چهارچوب‌های حقوقی و نهادی بین‌المللی باشد تا اجماع جامعه بین‌المللی را در حمایت از غیرنظامیان در برابر جنایات جنگی، نسل‌کشی، پاکسازی نژادی و جنایات علیه بشریت منعکس کند. ❖

## References:

### Books:

Evans G. *The Responsibility to Protect: Ending Mass Atrocity Crimes Once and for All*. 1st ed. Washington: Brookings Institution Press; 2008.

Kazemi AA. *Methodology of International Law* (in Persian). Tehran: SRBIAU; 2010.

MalekmohammadiNouri H. *Introduction to International Law* (in Persian). 1st ed. Tehran: Shirezah; 2001.

Tigerstrom BV. *Human security and International law* (in Persian). 1st ed. Tehran: Majd; 2010.

### Articles:

Bellamy AJ. , Williams D., “The New Politics of Protection? Côte d'Ivoire, Libya and the responsibility to protect”, *International Affairs*; 2011. 87 (4).

Collins R. Thinking About Libya, the Responsibility to Protect and Regime Change: A “Lessons Learned” Discussion Paper. WMFC. 2011 October. Available from: [http://worldfederalistscanada.org/wfmcDraftLibyaRC5\\_oct19%204.pdf](http://worldfederalistscanada.org/wfmcDraftLibyaRC5_oct19%204.pdf). Accessed February12, 2013.

Fiott D. The ‘Responsibility-to-Protect’: Sovereignty, Political Will and Capabilities. ISIS. 2008 July; 39. Available from: [http://www.isis-europe.eu/sites/default/files/programmes-downloads/2008\\_artrel\\_173\\_esr39-r2p.pdf](http://www.isis-europe.eu/sites/default/files/programmes-downloads/2008_artrel_173_esr39-r2p.pdf). Accessed February12, 2013.

Ghavam A, Ravanbod A, 2010, Concept of Responsibility to Protect: Assessing the Role of West-NAM in Setting International Norms (in Persian) , *Rahbord*; 55.

Kazemi AA, 2005, "Methodology of International Law", (in Persian) , *Journal of Law and Politics*; 1.

Thakur R, "Libya and the Responsibility to Protect: Between Opportunistic Humanitarianism and Value-Free Pragmatism", *Security Challenges*; 2011. 7 (4).

Zakerian M, 2000, International Humanitarian Law: US-Israeli Approaches (in Persian) , *Studies on Israel-US*; 2.

### Sites (Documents)

Ohchr. Org. Geneva: The Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights; [updated 2011 February 22]. Available from: <http://www.ohchr.org/en/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=10743&LangID=E>. Accessed February12, 2013.

Responsibility to Protect. Org. New York: International Coalition for the Responsibility to Protect; [updated 2012]. Available from: <http://www.responsibilitytoprotect.org/index.php/crises/crisis-in-libya>. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2006April28] (SC/RES/1674). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N06/331/99/PDF/N0633199.pdf?OpenElement>. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2011 February 26] (SC/RES/1970). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/245/58/PDF/N1124558.pdf?OpenElement>. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2011 March 17] (SC/RES/1973). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/268/39/PDF/N1126839.pdf?OpenElement>. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2011September 16] (SC/RES/2009). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/200/09/PDF/N1120009.pdf?OpenElement>.

org/doc/UNDOC/GEN/N11/502/44/PDF/N1150244. pdf?OpenElement. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2011October27] (SC/RES/2016). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/567/10/PDF/N1156710. pdf?OpenElement>. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2011 October 31] (SC/RES/2017). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/573/33/PDF/N1157333. pdf?OpenElement>. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2011 December 2] (SC/RES/2022). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N11/620/28/PDF/N1162028. pdf?OpenElement>. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2011 March 12] (SC/RES/2040). Available from: <http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N12/260/30/PDF/N1226030. pdf?OpenElement>. Accessed February12, 2013.

UN. Org. New York: United Nations Organization; [updated 2011 June 8] (News Centre). Available from: <http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=38664>. Accessed February12, 2013.